

کامیلا والیخو: "ما میتوانیم جهان را تغییر دهیم"



روزنامه های بورژوازی در مورد شخصی چنین تبصره هایی را اشاعه می دارند: باز هم شبیهی از کمونیزم در حرکت است. ولی اینبار "چهره کمونیزم" است (فرانکفورترالگیمینی سایتونگ). "چهره زیبای اعتراضهای چیلی" (راینیشی پُست). همانند "یک ستاره جهان هنر استقبال می شود" (فرانکفورترالگیمینی سایتونگ) و این که "محبوب تر از رئیس جمهور است" (اشپیگل). "همه جهان مجنون وی شده اند" اینست تعجبنامه ویستدویچه الگیمینی سایتونگ. زیوددویچه سایتونگ وی را "کمونیست آهنین" می خواند و اشپیگل "چهره انقلاب". روزنامه گاردین انگلیسی وی را در این اواخر به نام "چهره ۲۰۱۱" برگزید. سخن از «کامیلا والیخو» معاون رئیس اتحادیه دانشجویان چیلی (اف ای سی اچ) و عضو سازمان کمونیستی جوانان چیلی است. موصوف همراه با «کارول کاریولا» (رئیس سازمان کمونیستی جوانان چیلی) و «خورگی مووریا» (عضو هیئت رئیسه اتحادیه عمومی سندیکاها «سی یو تی» و سندیکاهای فلز کاران به نام کونسترامیت، عضو حزب کمونیست چیلی) یک برنامه خلیها ضیق را هنگام اقامت در بسیاری از شهرهای بزرگ آلمان به انجام رسانیدند. لکچرها، صحبتها و برنامه های رسانه بی یکی بعد دیگری تدویر می شدند. ده شهر در آلمان جزء پروگرام بود. صرفاً در مونشن در ظرف هفت ساعت سه برنامه در انتظار تدویر بود.

در دانشگاه مونشن مدتها پیش از آغاز محفل همه ۸۰ چوکی موجود اشغال شده بود. و ۱۰۰ نفر دیگر بایستی در حال ایستاده باقی می ماندند. هیئت سه نفری از چیلی در مورد اعتراضهای اجتماعی و آموزشی که از ماه ها بدینسو در جریان است و اکنون در سطح جهانی در زمینه گزارش می شود، معلومات می دادند. به جای آنکه دولت مکتبها و دانشگاه های همه گانی را یاری رساند، برخلاف در زمینه سبسایدی نهادهای آموزشی خصوصی مصروف است. اکثریت دانشجویان مجبورند در مدت زمان تحصیل مقروض گردند: پنج سال تحصیل به قیمت پنجاه سال قرضداری. (والیخو) انتقاد میکند که با وجود آنهم نهادهای آموزشی بجای تربیت شخصیتهای مستقل، فقط به تربیه کارگر و منیجر مصروف اند. آموزش کدام شیئی مصرفی نیست، بلکه یکی از اجزای حقوق بشری است.



دو پیام برای مردم چیلی در این زمینه دارای اهمیت است: "نخست این که ما باید با دانشگاهی قطع رابطه کنیم که فردی گزایی، رقابت و منافع شخصی را در صدر برنامه آموزشی و تربیت دانشجویان قرار می دهد. ما در برابر دانشگاهی قرار داریم که یگانه مطالبه اش حضور در لکچرها، به دست آوردن نمرات عالی و به پایان رسانیدن هر چه زودتر تحصیل، به خاطری که در بازار کار، پول کمایی کرد، می باشد. دیدگاه و طرحهای اساسی ما متکی بر همبسته گی، همکاری و همسویی است. دانشگاه ها باید بینایی آنرا به دست آورند تا دنیایی را که می خواهند تسخیر کنند، باید جهانی را که طالب کارما، نیروی ما و وقف ماست، در کل شناسایی کنند. دوران تحصیل بایستی بینایی آنرا به ما تفویض کند که مسوولیت زدودن عدم تعادل و راه اندازی تحولات اجتماعی را بیاموزیم.

دوم این که، در گزارشهای ارایه شده صراحت ندارد که مطلب فقط روی کدام جنبش دانشجویی نمیچرخد. «والیخو» اظهار داشت که: "سیستم آموزشی غیرعادلانه، مسخره وبالاخره یک فریب بزرگ است. تاجر پیشه گی و شیوه مقروض شدن باید پایان یابد! اما باید دانست که مطلب صرفاً در مسأله ناکام خصوصی ساختن سکتور آموزشی در چیلی خلاصه نمی شود، بل واقعیت اجتماعی در مجموع باید تغییر یابد. ما نیاز به مباحثات عمیق درباره کشوری که میخواستیم آنرا از نو بنیاد گذاریم، داریم و در این رابطه باید بدانیم که کدام طیفی از دانشگاه را ضرورت داریم. بنأ در دوران اعتراضهای توده یی، دانشجویان درکنار کارگران، حافظان محیط زیست و سازمانهای حقوق بشر و مردم چیلی صف آرایی کردند. پروسه پخته گی سیاسی درون جنبش اعتراض باعث شد که انتقاد از سیستم آموزشی از حدودش فراجهیده و به مطالبات جدید در زمینه سیستم عادلانه مالیاتی، ملی سازی مجدد ثروتهای طبیعی و قانون اساسی جدید رهنمون شد.

درگردهمایی مونشن در خانه سندیکاها بر علاوه آنکه چوکیها اشعال شده بودند اضافه از ۳۰۰ نفر در حالت ایستاده تا اخیر محفل حضور داشتند. گذشته از همه سندیکاها، تعلیم و تربیه وجوانان ویردی (خدمات عمومی اجتماعی) محلی از ایالت بایرن، فوند روزا - لوزکامبورگ، حزب کمونیست آلمان و جوانان سوسیالیست کارگر دعوت به این محفل نموده بودند. «کریم شامبیر» گرگرداننده این محفل شامگاهی بعد از آنکه مهمانان را خیرمقدم گفت اضافه نمود که: "در عمل خیلیها فرحت بخش است که خانه سندیکاها به افتخار چهار کمونیست خارج از ظرفیت خویش مهمان دارد".

«نکارول کاریولا» تذکر داد که اعتراضها در جامعه چیلی ریشه های عمیقی از خود به جا گذاشته اند. هیچکسی نباید چنین تصور کند که چیزی درجه غلیان را پیموده و در آینده نزدیک به سردی می گراید. وی اضافه کرد که "اعتراضها نتیجه یک پروسه چندین ساله است که طی آن خشم برانگیخته شده است". نمونه نیولیبرال سرمایه داری در چیلی به فرجام خود نزدیک است. "و ما آرام نخواهیم نشست تا به دموکراسی واقعی دست یابیم". «کامیلاوالیخو» می گوید: "بسیاری از فکتورها نقش دارند، ولی مهمترین آن همانا به فرجام رسیدن مدل اقتصادی نیولیبرال سرمایه داری است. هیچکسی اکنون فریب وعده های بی بنیاد را نمی خورد و انسانها احساس می کنند که از آنها سو استفاده می شود. آنها درک می کنند که در واقعیت امر در خفقان زیست دارند. آنها این وضع را مدت زمان دیری متحمل شدند، ولی حال میخواستند برآن خط بطلان بکشند. نسل امروزین چیلی واقعاً نسل نترس است و می تواند در برابر یک دیکتاتوری به تظاهرات بپردازد. ما سیستم شکن هستیم، همان سیستمی که ما را شکنجه می کند و ثروت و هستی انسانها را می رباید".

«خورگی موویوا» در باره وضع رقتبار اجتماعی فامیلهای کارگران چیلی گزارش داد. بعد از کودتای «پینوچه» چیلی کالبد تحقیقاتی سرمایه لیبرال بود: تخریب ساختاری سندیکاها، خصوصی سازی و رادیکالیزم بازار. نشانه های رونق اقتصادی درمیان مردم احساس نشد و قطب بندیهای اجتماعی چنان متفاوت بود که همانند آن تا هنوز در چیلی سابقه نداشت. امروز هر یک از

فامیل‌های کارگران اگر می‌خواهند زنده بمانند، مجبورند خودها را با گذشت هر روزی بیشتر از پیش مقروض سازند. و باز هم قرضداری رابطه مستقیم با عدم بهبود وضع زنده گی آنها داشته و گلوی شانرا می‌فشارد. موصوف با ارایه کلیپ‌های ویدیویی و عکسها توضیحاتش را در رابطه با آماده گیها و راه اندازی اعتصاب بزرگ ماه اگست ۲۰۱۱ بدرقه می‌کرد این اعتصاب سندیکاها و همکاری دانشجویان و سایر جنبشهای اجتماعی نمایانگر پیشتازی پر اهمیت رشد جنبش اعتراضی است.

این سه گانه ها نظرمشترک دارند: «جنبش اجتماعی حاضر باید به یک جنبش سیاسی مبدل گردد». هم اکنون جنبش اعتراضی در نواحی وگردهمایی های نواحی چنان ریشه دوانیده است که در نتیجه، مشارکتهای اجتماعی و سیاسی به میان آمده اند. آنان درمورد سوالی که آیا نیروهای چپ در آن موقفی قرار دارند تا با این وضع سازگار باشند، چنین گفتند: "هنوز نه. حزب کمونیست صرفاً درحاشیه شامل این تظاهرات بود و نخواست سعی کند تا نقش رهبری را عهده دار شود که البته این نقش هم در خور سهم اش نیست. در میان چپها هنوز سؤ اعتماد های زیادی وجود دارد ولی به همه حال انشعاب دیده نمیشود. آنچه امروز برای ما چپها به مثابه خلا پذیرفته می شود اینست که قابلیت آنرا نداریم تا به اتحادها تن در دهیم و برنامه مشترکی را طرح کنیم". «کامیلا والیخو» اضافه کرد: "اکنون مطلب روی آن میچرخد تا چپها و حزب کمونیست زیربنای اجتماعی خودی را ایجاد کنند تا سیستم دو حزبی را درهم شکنند. مقصد فقط و فقط جنبش اجتماعی و اعتراض نیست، بل مقصد اصلی قدرت است".

در مورد این سوال که وی برای تقدیر گاردین کدام اهمیتی را قایل است، جواب داد: "تقدیر صرفاً مربوط به شخص من نیست. من صرفاً یک چهره هستم که این جنبش را معرفی میدارد و هرگاهی این تقدیر به من تفویض می‌گردد، به معنی ارجحاری در برابر چنین تحولات درسطح جهانی است که به وسیله تعداد زیادی از جنبشها به راه انداخته شده اند. بناءً من این تقدیر را به مثابه به رسمیت شناختن شجاعت جوانان در مجموع بررسی می‌کنم. با در نظر داشت تناسب قدرت و بازارهای لجام گسیخته دست و پای انسانها زنجیر پیچ شده اند. درکشورما یعنی چیلی مسأله آموزش است و در سایر کشورها مطالب دیگری اند. ولی درهسته همه را یک شبه جهانشمول، موجودیت عدم تعادل اجتماعی جهانشمول که در نتیجه آن معدوده کوچکی همه چیز را در اختیار دارند ولی تعداد کثیری چیزهای اندک و یا هیچ چیزی را در اختیار ندارند. این جنبش به ریشه کن ساختن نظام جهانی نیولیبرال مامیپردازد. این که چرا من در جایگاه سمبول بالا کشیده شده ام، نمیدانم. ولی شایدهم چنین باشد که به اعتراضهای چیلی در سطح جهانی به دیده تقدیرنگریسته شده است".

در پایان محفل (یوورگن هینتسر) که سرپرستی این گردهمایی را داشت، گفت: "این خود موفقیتی برای رهروان وحدت مردم است".